

دلایل استفاده از قراردادهای بی.او.تی (BOT) و نقش دولت در موفقیت این پروژه‌ها

دکتر عبدالحسین شیروی*

در پروژه‌های بی.او.تی (BOT)، دولت به یک کنسرسیوم متشکل از شرکت‌های خصوصی امتیاز می‌دهد تا یک پروژه عمرانی را طراحی، تأمین مالی، ساخته و سپس برای مدت معینی مورد بهره‌برداری قرار دهد. عمده‌ترین دلایل استفاده از قراردادهای بی.او.تی عبارتند از: هدایت سرمایه‌های بخش خصوصی به طرف طرح‌های زیربنایی اقتصادی، جذب سرمایه‌های خارجی، سرازیر کردن تکنولوژی و فن‌آوری‌های نوین به سوی کشور و استفاده از یک مدیریت کارآمد برای اداره و بهره‌برداری از پروژه‌ها زیربنایی. با توجه به اینکه پروژه‌های زیربنایی جزء قلمرو بخش دولتی قرار داشته و به صورت سنتی تحت کنترل و اداره انحصاری دولت بوده است، ورود به این بخش بدون حمایت و همکاری بخش دولتی امکان‌پذیر نخواهد بود. این مقاله تلاش دارد

تا ضمن بیان انگیزه‌های استفاده از قراردادهای بی.او.تی، نقش دولت پذیرای سرمایه در موفقیت این پروژه‌ها را مورد بررسی قرار دهد و بیان دارد که دولت پذیرای سرمایه در این خصوص چه نوع حمایت‌هایی ممکن است بعمل آورد.

واژگان کلیدی: ساخت، بهره‌برداری و انتقال بی.او.تی، خصوصی‌سازی، تأمین مالی پروژه‌ها، پروژه‌های زیربنایی.

مقدمه

«ساخت، بهره‌برداری و انتقال»، ترجمه عبارت «Build-Operate-Transfer» است که در اختصار به آن بی.او.تی (BOT) می‌گویند. این عبارت در بردارنده سه مفهوم ساخت، اجرا و بهره‌برداری و نهایتاً انتقال می‌باشد. در یک قرارداد متعارف بی.او.تی، پروژه‌ای با مجوز دولت توسط یک شرکت خصوصی ساخته می‌شود و پس از ساخت برای مدتی مورد بهره‌برداری آن شرکت قرار می‌گیرد و پس از انقضای مدت قرارداد، پروژه به دولت طرف قرارداد منتقل می‌گردد. به عبارت دیگر، دولتی به یک کنسرسیوم خصوصی متشکل از شرکت‌های خصوصی امتیاز می‌دهد، تا کنسرسیوم مطابق قرارداد، تأمین مالی یک طرح زیربنایی را عهده‌دار شده، آنرا بسازد و در ازای مخارجی که تقبل کرده برای مدتی از پروژه ساخته شده، بهره‌برداری کند و پس از سپری شدن مدت قرارداد، پروژه و حق استفاده از آن را مجاناً به دولت منتقل نماید.^۱

رواج پروژه‌های ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) در سال‌های اخیر ناشی از متناسب بودن این پروژه‌ها با ویژگی اقتصادی و نیازهای کشورهای در حال توسعه بوده است. قراردادهای بی.او.تی در مقایسه با قراردادهایی که به صورت سنتی جهت تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، دارای انعطاف بیشتری هستند و با افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری در این بخش سازگارتر است.

این مقاله تلاش دارد تا ضمن بیان انگیزه‌های استفاده از قراردادهای بی.او.تی، نقش

۱. برای دیدن مفهوم قراردادهای بی.او.تی و تفاوتی که این نوع قراردادها با قراردادهای مشابه تأمین مالی پروژه‌ها دارند، مراجعه شود: (شیروی، ۱۳۸۰، ص ۵۰-۳۱).

دولت پذیرای سرمایه در موفقیت این پروژه‌ها را مورد بررسی قرار دهد و بیان دارد که دولت پذیرای سرمایه در این خصوص چه نوع حمایت‌هایی ممکن است بعمل آورد.

الف) دلایل استفاده از پروژه‌های بی.اوتی

در اسناد مناقصه یک پروژه بی.اوتی جهت احداث یک راه آهن سریع‌السیر در سوئد، اهداف دولت سوئد از این پروژه به طور خلاصه از قرار زیر بیان شده است:

- تشویق رقابت رو به تزاید و مشارکت دادن بخش خصوصی در بخش راه آهن؛
- فراهم کردن شرایط برای بخش خصوصی جهت ساخت و اجرای پروژه؛
- به حداقل رساندن تعهدات مالی دولت نسبت به پروژه؛
- تعالی بخشیدن به ابتکارات بخش خصوصی و زمینه سازی لازم جهت ارائه خدمات مطلوب و دوستانه جهت مسافران؛
- ترویج فضای صمیمانه در سیستم حمل و نقل از طریق تشویق رقابت در توسعه راه آهن (وست ترینگ^۱، ۱۹۹۷، ص ۱۵۲).

بدین ترتیب، عمده‌ترین دلایل استفاده از قراردادهای بی.اوتی عبارت‌اند از: هدایت سرمایه‌های بخش خصوصی به طرف طرح‌های زیربنایی اقتصادی، جذب سرمایه‌های خارجی، سرازیر کردن تکنولوژی و فن‌آوری‌های نوین به سوی کشور و استفاده از یک مدیریت کارآمد برای اداره و بهره‌برداری از پروژه‌های زیربنایی. دلایل عمده استفاده از بی.اوتی تحت چهار عنوان کلی «خصوصی سازی»، «جذب سرمایه‌گذاری خارجی»، «جذب تکنولوژی» و «بهره‌مند شدن از یک مدیریت کارآمد» بطور اجمالی در زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- خصوصی سازی

نهضت خصوصی سازی یکی از برنامه‌های بنیادین بسیاری از کشورهای در حال توسعه است (پریجر^۱، ۱۹۹۷، ص ۶۱۳). در اوایل دهه ۱۹۹۰ بیش از هشتاد کشور جهان در نوعی از خصوصی سازی وارد شدند. امروزه بسیاری از کشورها به نحو گسترده‌ای درصدد خصوصی سازی کلیه فعالیت‌های بخش دولتی خود هستند. حتی بخش‌هایی که زمانی جزء صنایع استراتژیک تلقی می‌شد امروزه به بخش خصوصی واگذار می‌شود. در گذشته دولت‌ها در سراسر جهان تمایلی نداشتند که چنین بخش‌های مهم اقتصادی و زیربنایی که با امنیت ملی آنها مرتبط بود را به بخش خصوصی واگذار کنند. امروزه روند خصوصی سازی آن چنان قابل قبول و موجه شده که دیگر کشورها ورود بخش خصوصی به این قسمت‌ها را مخالف با امنیت ملی و منافع استراتژیک خود تلقی نمی‌کنند. کشورها بیشتر تمایل دارند تا کنترل خود در این بخش‌ها را از طریق وضع قوانین نظارتی، قیمت‌گذاری و زمان‌بندی اعمال کنند (بلسکو^۲، ۱۹۹۳، ص ۵۰۷).

در یک برداشت کلی، خصوصی سازی مستلزم کوچک کردن بخش دولتی و در عین حال توسعه بخش خصوصی است. معمولاً مفهوم خصوصی سازی معادل فروش شرکت‌های دولتی^۳ و انحلال آنها تلقی می‌شود در حالی که خصوصی سازی منحصر به آن نیست و شامل شیوه‌های متفاوتی است.^۴ به عنوان مثال دخالت بخش خصوصی در آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی که به صورت سنتی در انحصار دولت بوده است، یکی از راه‌های خصوصی سازی است. مثلاً چنانچه طبق مقررات یک کشور سرمایه‌گذاری در پروژه‌های ساخت راه آهن، بزرگراه‌ها، پل‌ها، تونل‌ها و سدها در انحصار بخش دولتی باشد، تغییر این مقررات به نحوی که بخش خصوصی بتواند در این امور دخالت کرده و سرمایه‌گذاری کند یک نوع خصوصی سازی تلقی می‌شود.

1. Prager.

2. Blasko.

3. State-Owned Enterprises (SOEs).

۴. لازم به توضیح است که بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۱ بیش از ۶۸۰۰ شرکت دولتی در سراسر جهان فروخته و یا منحل شده است که از این مقدار ۲۰۰۰ شرکت متعلق به کشورهای در حال توسعه بوده است (بلسکو.

یکی از راه‌های خصوصی سازی که به طور وسیع مورد توجه کشورهای گوناگون قرار گرفته است استفاده از قراردادهای بی.اوتی است. این قراردادها بخش خصوصی را وارد آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی می‌کند که قبلاً در اختیار و در کنترل انحصاری دولت بوده است. دولت از این طریق، هم زمینه را برای بخش خصوصی فراهم می‌سازد تا در این فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری کرده و مشارکت نماید و هم نظارت و کنترل خود را به نحو مطلوبی حفظ می‌کند. قراردادهای بی.اوتی به خصوص از این جهت دارای اهمیت است که پروژه ساخته شده تنها برای مدت مشخصی در اختیار بخش خصوصی قرار می‌گیرد و نهایتاً به دولت منتقل می‌شود.

لازم به توضیح است که بخش خصوصی در صورتی فعالانه در پروژه‌های بی.اوتی وارد خواهد شد که تضمینات کافی وجود داشته باشد که سرمایه‌گذاری در این فعالیت‌های اقتصادی بدون اخلال بخش دولتی انجام خواهد گرفت. از آنجا که معمولاً پروژه‌های بی.اوتی مرتبط با آن دسته از بخش‌های اقتصادی است که به صورت سنتی در اختیار و در کنترل دولت بوده است، سرمایه‌گذاران خصوصی باید مطمئن شوند که یک چهارچوب قانونی مناسب وجود دارد که منافع آنان را تضمین می‌کند و آنان را در مقابل دخالت‌های بی‌مورد و خودسرانه مقامات و ارگان‌های دولتی حمایت کرده و از سنگ اندازی‌های بخش دولتی ممانعت به عمل خواهد آمد.

۲- جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی

یک اعتقاد عمومی بین اقتصاددانان و سیاستمداران وجود دارد، مبنی بر اینکه توسعه اقتصادی در یک کشور تا حد زیادی وابسته به توسعه و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی آن کشور است و اینکه چنین سرمایه‌گذاری صرفاً از طریق منابع دولتی و اخذ مالیات عملاً غیرممکن است. تنها برای آسیا، بانک جهانی تخمین زده است که حدود ۱۵۰۰ میلیون دلار سرمایه برای ساخت جاده‌ها، نیروگاه‌های برق، سیستم آب‌رسانی و فاضلاب مورد نیاز است تا این کشورها بتوانند رشد اقتصادی خود را تا سال ۲۰۱۰

میلاادی حفظ کنند (فریلت^۱، ۱۹۹۷، ص ۵۰۰). به عنوان مثال در گزارشی راجع به زیرسازی اقتصادی هند که در سال ۱۹۹۶ منتشر شده است، مقدار سرمایه‌ای را که هند طی یک دوره پنج ساله (یعنی تا سال ۲۰۰۱) برای بخش زیربنایی اقتصادی خود نیاز دارد بین ۴۰۰۰ تا ۴۵۰۰ میلیون رویه پیش‌بینی کرده است که حداقل ۱۵ درصد آن باید از منابع خارجی تأمین شود. برای دوره پنج ساله بعدی مبلغی بالغ بر ۷۵۰۰ میلیون رویه مورد نیاز است (نرسیمحان^۲، ۱۹۹۸، ص ۴۰۹).

یکی از طرق جذب سرمایه‌های خارجی و هدایت آنها به پروژه‌های زیربنایی استفاده از قراردادهای بی.اوتی است. دلیلی که شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی تمایل پیدا کرده‌اند تا در پروژه‌های زیربنایی بی.اوتی سرمایه‌گذاری کنند، مشوق‌ها، تسهیلات و معافیت‌هایی است که دولت متقاضی برای سرمایه‌گذاری خارجی که از طریق مکانیزم بی.اوتی انجام می‌گیرد مقرر می‌دارد. مشوق‌ها و تسهیلات مقرر معمولاً به سه گروه تقسیم می‌گردد: مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی، مشوق‌ها و تسهیلات مالی و مشوق‌ها و تسهیلات غیرمالی.

مشوق‌های مالیاتی در واقع سیاست‌های مالیاتی است که دولت در قبال سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بی.اوتی اتخاذ می‌کند و باعث جذب سرمایه‌گذاران خارجی می‌گردد. این مشوق‌ها شامل کسر هزینه‌ها و خرید تجهیزات از درآمد قابل مالیات، تخفیفات مالیاتی، معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی‌های مالیاتی، کسر هزینه‌های سرمایه‌ای از درآمد قابل مالیات معاف و غیره خواهد بود. به عنوان مثال، پروژه‌های بی.اوتی در ویتنام برای چهار سال از پرداخت مالیات معاف هستند و در چهار سال دوم از پرداخت ۵۰ درصد مالیات معاف می‌باشند. نرخ مالیات ۱۰ درصد برای درآمد کنسرسیوم منظور شده است و کنسرسیوم کلاً از پرداخت مالیات تحویل و تحول پروژه معاف است (استین^۳، ۱۹۹۵، ص ۱۷۸).

مشوق‌ها و تسهیلات مالی عبارتند از: ارائه کمک‌های مالی مستقیم و غیرمستقیم

1. Frilet.
2. Naresimhan.
3. Stein.

دولت به کنسرسيوم برای تشويق سرمايه‌گذاران خارجي به سرمايه‌گذاري در پروژه‌هاي زیربنايي است. اين مشوق‌ها شامل عرضه زمين يا ساختمان، پرداخت وام، تضمين وام‌هاي اخذ شده، تأمين بخشي از سرمايه، پرداخت سوبسيد براي هزينه کارگران و پرداخت سوبسيد براي تأمين سوخت و ديگر مواد اوليه مي‌باشد.

مشوق‌ها و تسهيلات غيرمالي شامل تضمين خريد محصولات، تضمين نرخ محصولات، برقراري سياست‌هاي گمرکي در جهت حمايت از سود دهی پروژه از قبيل افزايش تعرفه‌هاي گمرکي براي ورود کالاها و خدمات مشابه با محصولات پروژه بي.او.تی، الزام شرکت‌هاي دولتي به خريد محصولات پروژه و غيره مي‌باشد.

برقراري اين مشوق‌ها و تسهيلات باعث خواهد شد تا سرمايه‌گذاري بخش خصوصي و خارجي به سمت پروژه‌هاي بي.او.تی سوق داده شود. ممکن است بر اساس سياست‌هاي اقتصادي یک کشور، برقراري چنين مشوق‌هايي براي کليه صور سرمايه‌گذاري خارجي مطلوب نباشد و دولت تمايل داشته باشد تا اين تشويق‌ها و تسهيلات را صرفاً به آن دسته از سرمايه‌گذاري خارجي اختصاص دهد که در قالب بي.او.تی سرمايه‌گذاري مي‌کنند. در اين صورت چنين مشوق‌هايي تنها در ارتباط با پروژه‌هايي برقرار شود که از مکانيزم بي.او.تی استفاده مي‌کنند. هدف از اين سياست، به کار انداختن سرمايه‌هاي بخش خصوصي و خارجي در کانال‌هايي خاص اقتصادي و در جهت تحقق سياست‌هاي کلي اقتصادي آن کشور و توسعه بخش زیربنايي اقتصادي مي‌باشد.

۳- جذب تکنولوژی پیشرفته

با توجه به اينکه در قراردادهای بي.او.تی، کنسرسيوم علاوه بر ساخت پروژه، آن را برای مدتي اداره، کنترل، نگهداري و بهره‌برداري مي‌کند، بايد تجهيزات و ماشين‌آلات لازم، فن‌آوري موجود در آن صنعت و مجوزهاي توليد را به داخل کشور منتقل کند. بنابراین دولت مي‌تواند از طريق قراردادهای بي.او.تی به تکنولوژی پیشرفته و فن‌آوري‌هاي نوين دسترسي پيدا کند. جذب تکنولوژی از طريق قراردادهای بي.او.تی

مسکن است به سه طریق: ورود ماشین آلات، اعطای ليسانس‌ها و مجوزهای توليد و سال مبادرت‌های فنی واقع شود.

اول: ورود ماشین آلات

در بسیاری از موارد، در قالب فروش و انتقال ماشین آلات، وسایل و ابزار فنی، سخت افزارهای کامپیوتری و دیگر تجهیزات، عملاً تکنولوژی موجود در این وسایل به کشور پذیرنده منتقل می‌گردد (کلورت^۱، ۱۹۹۵، ص ۱۰۹). کشور پذیرنده از دو طریق از این وسایل و ماشین آلات بهره‌مند می‌شود؛ یکی اینکه، این ماشین آلات تحت کنترل و نظارت کنسرسیوم و البته در داخل کشور مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند و همین باعث می‌شود تا کشور پذیرنده از منافع و تولیدات آنها بهره‌مند شود؛ دوم اینکه، پس از انقضای مدت قرارداد بی.اوتی، این ماشین آلات به دولت پذیرنده منتقل می‌شود و عملاً مورد استفاده او قرار می‌گیرد. چنانچه ماشین آلات دارای تکنولوژی منحصر به فردی باشد، کنسرسیوم ممکن است محدودیتهایی را به دولت پذیرنده تحمیل کند که دولت مزبور ماشین آلات را پس از انتقال فقط در مقاصد خاصی بکار گیرد. مثلاً کنسرسیوم ممکن است فروش مجدد این ماشین آلات و یا بکارگیری آنها را در بخش‌های دیگر - مثل بخش‌های نظامی - محدود نماید.

دوم: اعطای ليسانس و یا صدور پروانه

دومین روش انتقال تکنولوژی از طریق اعطای صدور پروانه و ليسانس^۲ است که دارنده کپی رایید، حق اختراع، علامت تجاری، طرح صنعتی و یا نرم‌افزار کامپیوتری به طرف دیگر اجازه می‌دهد تا از آنها استفاده نماید. کنسرسیوم برای تولید و ارائه خدمات و یا کالاهای موضوع پروژه بی.اوتی مسکن است نیاز داشته باشد تا این مجوزهای را از دارندگان آنان تحصیل کند و به پروژه اختصاص دهد. در زمانی که پروژه توسط کنسرسیوم مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، استفاده از این مجوزها و امتیازات در اختیار

1. Calvert.

2. Licences.

کنسرسیوم است و بعد از آن باید به دولت پذیرنده منتقل شود. در قرارداد بی.اوتی دولت پذیرنده باید ترتیبی دهد که مجوزها و امتیازات به پروژه اختصاص داده شود و در صورت انتقال پروژه، دولت بپردازد از مجوزها و لیسانس‌ها استفاده کند. بعضی از مواقع این مجوزها و امتیازات صرفاً به کنسرسیوم اختصاص پیدا می‌کند و دولت نمی‌تواند پس از تحویل گرفتن پروژه آنها را مورد استفاده قرار دهد.

سوم: مهارت‌های فنی

سومین روش جذب تکنولوژی، انتقال مهارت‌های فنی^۱ و فوت و فن‌های یک حرفه است.^۲ در بسیاری از موارد، مؤسسه‌هایی که به یک نوآوری فنی نایل می‌شوند قادر نیستند تا از طریق ثبت اختراع، کپی رایت، یا ثبت عنوان تجاری و طرح صنعتی خود، از این تکنولوژی بدست آمده به طور مؤثر حفاظت و حمایت کنند.^۳ در این موارد صاحبان تکنولوژی ترجیح می‌دهند تا اطلاعات راجع به آن نوآوری نوین را سری تلقی کرده و از طریق انعقاد قراردادهای خاص با طرف‌های تجاری خود تحت حمایت قرار دهند (آنسیترال^۴، ۱۹۹۸، ص ۶۶). بنابراین، کنسرسیوم ممکن است برای بهره‌برداری از پروژه نیاز داشته باشد که چنین مهارت‌های فنی را از صاحبان آن خریداری کند. در طول مدت قرارداد بی.اوتی، این مهارت‌های فنی مورد استفاده کنسرسیوم قرار می‌گیرد. دولت پذیرنده باید مطمئن شود که پس از تحویل گرفتن پروژه، این مهارت‌ها به نحو مقتضی به دولت پذیرنده منتقل شود و او نیز می‌تواند در بهره‌برداری از پروژه از آن مهارت‌ها و فن‌آوری‌ها استفاده کند.

۱. Know-How.

۲. در بعضی از موارد، اصطلاح اخذ لیسانس (Licensing) برای توافق‌های انتقال مهارت‌های فنی نیز به کار می‌رود (بینگ تون Byington، ۱۹۸۱-۱۹۸۰، ص ۱۹۵).

۳. در گزارش نشست ۱۷ و ۱۸ اکتبر ۱۹۵۷، از ق تجارت بین‌الملل (ICC) آمده است که اصطلاح مهارت‌های فنی ممکن است بکار گرفته شود. تا نه تنها فرمول‌ها و تکنیک‌های محرمانه، بلکه فنی را که مرتبط با یک روش تولیدی دارای حق اختراع است را نیز شامل شود. این اصطلاح همچنین شامل شیوه‌های عملی و سایر اطلاعات فنی است که از طریق تحقیقات توسط یک تولیدکننده به دست آمده است و هنوز توسط رقابتان کشف نشده است (استوفان، Stumpf، ۱۹۸۴، ص ۱۰).

۴. JNCITRAL.

۴- بهره‌مند شدن از یک مدیریت کارآمد

امروزه اکثر کشورها متوجه شده‌اند که تصدی دولت در امور اقتصادی آنچنان که تصور می‌شد به شکوفایی اقتصادی منجر نمی‌شود، زیرا بوروکراسی، بی‌انگیزگی و عدم دلسوزی از مشکلات تصدی دولت است. بیشتر پروژه‌هایی که توسط دولت اداره می‌شوند از سوء مدیریت رنج می‌برند. این سوء مدیریت به خصوص در موارد زیر متبلور است:

- هزینه زیاد تولید؛
- سود کم و یا ضرر دهی؛
- عدم ارائه کالاها و خدمات با کیفیت مناسب؛
- متکی بودن به کمک‌ها و حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت؛
- عدم توانایی در تطبیق سریع با تغییرات تکنولوژی در آن بخش؛
- عدم توانایی در پیش‌بینی آینده بازار تقاضا و تطبیق با آن؛
- عدم قدرت رقابت.

مدیریت کارآمد تلاش دارد تا با استفاده بهینه از امکانات، ضمن تقلیل مخارج تولید، کارایی و سود را به حداکثر برساند. برای یک مدیریت کارآمد باقی ماندن در بازار و حفظ قدرت رقابت از مسائل بنیادی تلقی می‌شود. برای باقی ماندن در بازار باید ضمن حفظ کیفیت کالا و یا خدمات ارائه شده، مخارج تولید را به نحوی کاهش داد که قیمت کالاها و خدمات در مقایسه با قیمت کالاها و خدمات مشابه قابل رقابت باشد. مدیریت کارآمد، بازار تقاضا را پیش‌بینی می‌کند و متناسب با نیازهای آینده برنامه‌ریزی می‌کند و تلاش دارد بازارهای خود را در آتی حفظ کند.

در پروژه‌های بی.او.تی، وظیفه اداره و بهره‌برداری پروژه به عهده بخش خصوصی است و بخش خصوصی مسلماً برای تأمین منافع خود تلاش می‌کند تا بازدهی پروژه را به سقف مطلوبی برساند. بنابراین دولت می‌تواند در زمان قرارداد بی.او.تی از مزایای مدیریت کارآمد بخش خصوصی بهره‌مند شود. پس از انتقال پروژه، دولت ممکن است تمایل داشته باشد که این شیوه مدیریتی به نحو مؤثری در اختیار بخش دولتی قرار

گیرد. این امر به خصوص از این جهت اهمیت دارد که بکارگیری تکنولوژی و فن‌آوری‌های نوین که در بهره‌برداری از پروژه مورد استفاده قرار می‌گرفته برای بخش دولتی مسبوق به سابقه نباشد. در این موارد دولت باید ترتیبات مشخصی را در قرارداد بی.او.تی مقرر دارد که بر طبق آن کنسرسیوم موظف باشد در دوره بهره‌برداری، شیوه نگهداری از تجهیزات و استفاده از ماشین‌آلات و تکنولوژی موجود در پروژه و نحوه مدیریت آن را به بخش دولتی منتقل نماید.

دولت ممکن است خواستار ادامه همکاری‌های مدیریتی کنسرسیوم با بخش دولتی پس از انتقال پروژه باشد که در این صورت باید موضوع به نحو مقتضی در قرارداد بی.او.تی گنجانده شود. این همکاری‌ها ممکن است شامل موارد زیر باشد:

الف) مدیریت مالی

- تجزیه و تحلیل مالی
- طرح و بودجه
- وام گرفتن
- کنترل دارایی‌های نقدی
- حسابرسی

ب) مدیریت پرسنل

- تعیین سمت‌های شغلی
- ارتقاء و ارزیابی شغل
- آموزش پرسنل
- استخدام
- جایگزین کردن نیروهای بومی

ج) مدیریت تولید

- مدیریت مواد اولیه
- خرید
- مراقبت از تأسیسات و نگهداری از آنها

- کنترل کیفیت و آزمایش‌های تعیین کیفیت

(د) مدیریت فروش

- ارزیابی و مطالعه بازار تقاضا

- پیش‌بینی فروش

- بازاریابی

ب) نقش دولت پذیرای سرمایه در موفقیت پروژه‌های بی.اوتی

با توجه به این که پروژه‌های زیربنایی جزء قلمرو بخش دولتی قرار داشته و به صورت سنتی تحت کنترل و اداره انحصاری دولت می‌باشد، ورود به این بخش بدون حمایت و همکاری بخش دولتی امکان‌پذیر نخواهد بود. برای این که یک شرکت خصوصی بتواند بر اساس مکانیزم بی.اوتی مثلاً بزرگراهی را احداث کند و یا نیروگاه برقی را راه‌اندازی کند، اولاً، باید موانع ورود بخش خصوصی به این فعالیت‌ها برطرف شود و ثانیاً، سیاست‌هایی اتخاذ گردد تا آن شرکت خصوصی بتواند با موفقیت طرح مورد نظر را ساخته و برای مدت مقرر بهره‌برداری کند. همکاری و حمایت دولت پذیرای سرمایه برای موفقیت قراردادهای بی.اوتی به خصوص از جهات زیر لازم و ضروری است:

۱- دولت پذیرای سرمایه، امتیاز ساخت یک پروژه زیربنایی را که در قلمرو بخش دولتی قرار دارد به کنسرسیوم اعطا می‌کند و به او اجازه می‌دهد تا برای مدت مقرر از پروژه بهره‌برداری کرده و یا حتی در این مدت پروژه را تملک کند.

۲- اصولاً دارایی‌های ثابت پروژه مانند زمین متعلق به دولت است که به صورت مجانی در اختیار کنسرسیوم قرار می‌گیرد.

۳- کالاها و خدماتی که در نتیجه بهره‌برداری از پروژه‌های بی.اوتی بدست می‌آید عموماً تحت کنترل دولت و تابع سیاست‌های قیمت‌گذاری بوده است و معمولاً قیمت این کالاها و خدمات توسط بازار تعیین نمی‌شوند. تأمین و عرضه این کالاها و خدمات ممکن است برای دولت جنبه استراتژیک داشته و حتی با امنیت ملی آن کشور مرتبط

باشد. دولت نمی‌تواند در مورد قیمت، کمیت و کیفیت این کالاها و یا خدمات بی تفاوت باشد و بر نحوه قیمت‌گذاری و یا کمیت و کیفیت آنها نظارت دقیق نداشته باشد.

۴- دولت پذیرای سرمایه، ممکن است در تأمین مالی پروژه به عنوان صاحب سهم، خریدار اوراق قرضه، وام دهنده، تضمین‌کننده وام‌های اخذ شده و غیره مشارکت داشته باشد. این مشارکت مسلماً اعتبار پروژه بی.اوتی را افزایش داده و در نتیجه تأمین منابع مالی دیگر را تسهیل می‌کند و باعث خواهد شد تا مؤسسه‌های مالی و اعتباری بیشتری به سرمایه‌گذاری در پروژه ترغیب شوند.

۵- دولت پذیرای سرمایه، ممکن است تنها خریدار کالاها و خدماتی باشد که از بهره‌برداری پروژه بدست می‌آید. چنانچه این کالاها و خدمات به صورت ارزان قیمت و با پرداخت یارانه (سوبسید) به مصرف‌کنندگان عرضه می‌شود، دولت ممکن است این محصولات را با قیمت تضمینی خریداری کرده و از طریق سیستم پخش خود به دست مصرف‌کننده برساند. چنانکه کنسرسیوم موظف باشد تا خود این محصولات را به دست مصرف‌کننده برساند، دولت باید مابه‌التفاوت قیمت واقعی محصولات و قیمتی را که باید اختیار مصرف‌کننده قرار گیرد به صورت یارانه (سوبسید) به کنسرسیوم پرداخت کند.

۶- تبدیل درآمد حاصله - که اصولاً به پول داخلی است - به ارز معتبر خارجی منوط به سیاست‌های اقتصادی و ارزی دولت پذیرای سرمایه است. انتقال ارز به خارج از کشور و یا تبدیل پول داخلی به ارزهای معتبر بین‌المللی ممکن است با محدودیت‌هایی روبرو باشد. سرمایه‌گذاران خارجی بدون تغییر این مقررات و همکاری دولت برای تبدیل درآمد آنان به ارزهای معتبر و خروج آزاد آنها از کشور حاضر نیستند به طور مؤثر در این پروژه‌ها مشارکت نمایند.

۷- در طول مدت قرارداد، پروژه مزبور ممکن است توسط دولت ملی اعلام شود و یا به نحو دیگری تصاحب گردد. این احتمال از این جهت دارای اهمیت است که موضوع قراردادهای بی.اوتی معمولاً پروژه‌های زیربنایی است که با منافع ملی و حتی امنیت ملی یک کشور ارتباط دارد و ممکن است در شرایطی دولت ناگزیر شود که این پروژه‌ها

را تصاحب کند.

۸- دولت پذیرای سرمایه مالک نهایی پروژه است. در یک قرارداد بی.اوتی کنسرسیوم متعهد است که پس از سپری شدن مدت مقرر و معمولاً به طور مجانی، پروژه را به دولت پذیرای سرمایه منتقل نماید. پس دولت مالک نهایی پروژه است و در نحوه ساخت و بهره‌برداری از آن مستقیماً ذی‌نفع است.^۱

ج) انواع حمایت‌های دولت پذیرای سرمایه از پروژه‌های بی.اوتی

با در نظر گرفتن موارد فوق روشن می‌شود که موفقیت یک قرارداد بی.اوتی تا حد بسیار زیادی به همکاری و حمایت دولت پذیرای سرمایه وابسته است. ایجاد یک فضای سیاسی و حقوقی باثبات برای اجرای هموار پروژه‌های ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) از اهمیت بسزایی برخوردار است. کشور پذیرای سرمایه باید یک چهارچوب حقوقی مناسب برای حمایت از کنسرسیوم در ارتباط با اکتساب زمین مورد نیاز، برقراری یک سیستم ترجیحی مالیاتی و تعرفه‌ای، قابل تبدیل بودن درآمد کنسرسیوم به ارزهای معتبر خارجی، برقراری یک روش مؤثر و قابل قبول حل اختلاف، ایجاد نماید. کنسرسیوم باید در مقابل تغییر سیاست‌های اقتصادی و تغییر مقررات حقوقی که تأثیر منفی بر موفقیت و یا سوددهی پروژه دارد مورد حمایت قرار گیرد.

یک فضای حقوقی کارآمد، ممکن است از طریق تنظیم قوانین مناسب در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی، حل و فصل اختلافات، شناور بودن ارزش پول داخلی در برابر

۱. در ماده سه یک قرارداد بی.اوتی نمونه که توسط کمیته دولتی مشارکت و سرمایه‌گذاری ویتنام منتشر شده است. وظایف دولت ویتنام به شرح زیر عنوان شده است:

- ۱- ایجاد کلیه شرایط لازم برای اینکه کنسرسیوم بتواند تعهدات مندرج را انجام دهد؛
- ۲- پاکسازی محل پروژه به خرج کنسرسیوم به شیوه و در مدت زمانی که در قرارداد منعکس شده است؛
- ۳- کمک به کنسرسیوم برای بکارگیری کارکنان بومی جهت مشارکت در ساخت و بهره‌برداری از پروژه؛
- ۴- تضمین انعقاد قراردادهای لازم توسط شرکت‌های ویتنامی برای خرید محصولات پروژه که در طول مدت بهره‌برداری به دست می‌آید.

ارزهای معتبر خارجی و قابل تبدیل بودن آنها و برقراری یک سیستم عادلانه جبران خسارت در صورت تملک دولت و یا ملی کردن اموال سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد شود. مثلاً دولت باید مکانیزم اداری خاصی را برقرار سازد تا سرمایه‌گذاران خصوصی بتوانند به راحتی و با سرعت مجوزهای لازم، تأییدیه‌های ضروری و پروانه‌های مورد نیاز را اخذ کنند. برقراری یک سیستم حقوقی مؤثر در جهت مشارکت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش موانع اداری جهت اخذ مجوز برای فعالیت‌های اقتصادی و غیره می‌تواند نقش مثبت و مؤثری در تسهیل روند پروژه‌های بی.اوتی داشته باشد، زیرا در غیر این صورت بسیاری از امور باید به طور مشخص در قرارداد بی.اوتی پیش‌بینی شود که این امر در عمل باعث بروز اشکالاتی می‌شود که عمده‌ترین آنها عبارتند از: عدم تمایل بخش خصوصی به ورود به پروژه‌های بی.اوتی، طولانی و شکننده شدن مذاکرات بی.اوتی و عدم اطمینان بخش خصوصی و خارجی به پایبندی دولت پذیرای سرمایه به تعهدات قراردادی خود. این اشکالات به خصوص وقتی نگران کننده هستند که موانع حقوقی موجود مربوط به قوانین آن کشور و ناشی از مقررات دست و پاگیر آن کشور بوده و تصمیم‌گیری در مورد آنها از حیثه قدرت قوه مجریه و دولت خارج است و نمی‌توان از طریق مذاکرات قراردادی آن نقایض و کاستی‌ها را جبران کرد و برای آنها راه‌حل‌های قابل قبول پیدا نمود.

بنابراین، برای این که یک کشور بتواند از قابلیت‌های بخش خصوصی داخلی و مخصوصاً سرمایه‌گذاران خارجی برخوردار شود، باید در دو بخش به اصلاحات اقتصادی و حقوقی دست بزند. در بخش اول، برقراری یک سیستم حقوقی مناسب، عقلانی و پیشرفته برای فعالیت‌های اقتصادی؛ مانند تشکیل شرکتهای خارجی، انتشار اوراق قرضه در سطح بین‌المللی، خرید و فروش سهام شرکت‌ها در سطح جهانی، انعقاد و اجرای قراردادهای تجاری بین‌المللی، نقل و انتقال سهام و دیگر اوراق بهادار، حل و فصل دعاوی تجاری از طریق داوری، اجرای احکام داوری و غیره است. الحاق یک کشور به سازمان تجارت جهانی^۱، کنوانسیون بیع بین‌المللی^۲ و تصویب قانون نمونه

1. World Trade Organization.

داوری آنسترال^۲، قانون نمونه آنسترال راجع به انتقالات بین‌المللی اعتبارات^۳، کنوانسیون شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی^۴، کنوانسیون حل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین کشورها و اتباع کشورهای دیگر^۵ و غیره باعث خواهد شد تا مقبولیت جهانی آن کشور افزایش پیدا کند و زمینه برای جذب سرمایه‌های خارجی افزایش پیدا کند.

در بخش دوم، علاوه بر این مقررات عام و کلی که در زمینه جذب سرمایه خارجی و حمایت از آنها باید مقرر شود، تصویب مقررات خاص در مورد پروژه‌های بی.او.تی. ممکن است ضروری باشد تا مشارکت بخش خصوصی در راه‌اندازی پروژه‌های زیربنایی از طریق بی.او.تی. تحقق یابد (آنسترال، ۱۹۹۵، ص ۲۱۲). به عنوان نمونه در کشور فیلیپین، ترکیه، چین و ویتنام چنین مقررات خاصی وجود دارد. یکی از دلایلی که نیاز به وضع مقررات خاص برای پروژه‌های بی.او.تی. را توجیه می‌کند، موضوع پروژه‌ها است که به طور سنتی در بخش عمومی قرار دارد و توسط دولت تصدی می‌شود. واگذاری این پروژه‌ها به بخش خصوصی ممکن است نیاز به وضع مقررات خاصی در این خصوص داشته باشد. همچنین وجود مقررات خاص در مورد قراردادهای بی.او.تی. تسهیلات و مقررات حمایتی خاص برقرار می‌سازد و تعمیم این تسهیلات و مقررات حمایتی به سایر بخش‌ها مطابق با سیاست‌های اقتصادی و مالی آن کشور نیست.

فایده دیگر وضع مقررات خاص برای پروژه‌های بی.او.تی. این است که بسیاری از امور که باید در قراردادهای بی.او.تی. پیش‌بینی شود، در این قانون بیان شده است و مؤسسه‌ها و ارگان‌های دولتی در محدوده اختیاراتی که آن قانون مقرر داشته است با

2. United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, 1980.

3. UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration.

4. UNCITRAL Model Law on International Credit Transfers.

5. Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards.

این کنوانسیون در تاریخ ۱۳۸۰/۱/۲۱ مورد پذیرش قانونگذار ایران قرار گرفت و ایران رسماً این کنوانسیون را پذیرفت.

6. Convention on the Settlement of Investment Disputes between States and Nationals of Other States, (March 18, 1965).

کنسرسیوم وارد مذاکره می‌شوند. به عنوان نمونه، این مقررات ممکن است به مؤسسات عمومی و ارگان‌های دولتی اجازه دهد تا امتیاز ساخت و بهره‌برداری بعضی از پروژه‌های زیربنایی را به بخش خصوصی واگذار کنند و یا نوع پروژه‌هایی را مشخص کند که ممکن است مشمول بی.اوتی قرار گیرند و یا کمک‌ها و تشویق‌هایی که دولت به کنسرسیوم ارائه می‌کند را بیان نماید، و یا حتی شامل رویه‌ای باشد که مؤسسات دولتی به پیشنهادات بی.اوتی رسیدگی کرده آنها را قبول و یا رد می‌کنند.

مقررات مربوط به بی.اوتی ممکن است تفصیلی بوده و حاوی جزئیات بیشتری راجع به انعقاد قراردادهای بی.اوتی، تعهدات کنسرسیوم در ساخت، بهره‌برداری و انتقال پروژه، حداکثر مدت بهره‌برداری کنسرسیوم، روش بازپرداخت اصل سرمایه، بهره متعلقه و سود کنسرسیوم و جزئیات مشارکت مالی و غیرمالی دولت در این نوع قراردادها باشد. در این روش سعی بر این است تا مقررات تفصیلی از قبل برقرار شود و فقط در حدود آن مقررات، مذاکرات با طرف‌های ذینفع انجام گیرد. اشکالی که این روش نسبت به روش قبلی دارد این است که مقررات جزئی و تفصیلی، انعطاف این قراردادها را کاهش می‌دهد و استفاده از آنها را در بخش‌های گوناگون اقتصادی محدود می‌سازد. بنابراین وضع مقررات کلی و عام که حاوی مهمترین شرایط کلی انعقاد و اجرای قراردادهای بی.اوتی باشد، بدون اینکه به بخش اقتصادی خاصی توجه کند به مقررات تفصیلی ترجیح دارد.

ماده یک قانون شماره ۷۷۱۸ جمهوری فیلیپین که در مورد پروژه‌های ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) است، سیاست کشور فیلیپین را در استفاده از قراردادهای بی.اوتی به نحو زیر بیان می‌دارد:

این سیاست اعلام شده کشور است که نقش حیاتی بخش خصوصی را به عنوان یک موتور اصلی برای رشد و توسعه ملی به رسمیت می‌شناسد و بیشترین تشویق‌های مقتضی را جهت بسیج منابع بخش خصوصی برای تأمین مالی، ساخت، اجرا و نگهداری پروژه‌های زیربنایی و ساختاری که معمولاً توسط دولت تصدی می‌شوند فراهم می‌سازد. به غیر از تشویق‌های مالی که در این قانون مقرر شده است، چنین

تشویق‌ها و انگیزه‌ها شامل فراهم ساختن فضایی که در آن مقرات و بوروکراسی اداری به حداقل برسد و تعهدات خاصی است که دولت در جهت حمایت بخش خصوصی تقبل می‌کند.

برای بهتر روشن شدن نقش مقرات در تسهیل پروژه‌های بی.اوتی در ذیل به دو مورد هند و یونان پرداخته می‌شود:

اول: هند

در بعضی از نظام‌های حقوقی، مقرات موجود نه تنها تسهیل‌کننده قرارداد‌های بی.اوتی نیستند، بلکه مانعی برای تحقق این نوع پروژه‌ها هستند. به عنوان نمونه در سال ۱۹۸۹ قرارداد بی.اوتی در رابطه با پروژه Airoli Bridge در هند منعقد شد. مذاکرات برای تأمین مالی پروژه در شرف اتمام بود که دو مشکل حقوقی بروز کرد: یکی اینکه، مقرات محلی، اخذ عوارض ورودی در جاده‌ها و پل‌ها را ممنوع می‌کرد و دیگر اینکه، دولت اجازه نمی‌داد که کنسرسیوم بتواند در مدت زمان بهره‌برداری مالک پروژه شود. این مشکلات حقوقی باعث شد تا پروژه مورد نظر کنار گذاشته شود. رفع این معضل حقوقی به سرعت انجام نگرفت و حدود هفت سال طول کشید تا قانونگذار به ضرورت تغییر مقرات توجه کرد و مقرات مربوطه در سال ۱۹۹۶ در جهت رفع موانع حقوقی موجود اصلاح شد (نرسیمحان، ۱۹۹۸، ص ۴۱۶).

دولت هند از جمله کشورهایی است که برای توسعه و بهبود راه‌های ارتباطی خود نیاز به سرمایه‌گذاری گسترده در ساخت بزرگراه‌ها، پل‌ها، پل‌های روی خطوط راه‌آهن، تعویض بزرگراه‌ها از دو باندها به چهار باندها، ساخت گذرگاه‌ها، ترمینال‌ها و غیره دارد. دولت برای تشویق بخش خصوصی در مشارکت در این پروژه‌ها، مشوق‌های زیر را برقرار ساخته است:

- دولت تا ۴۰ درصد مخارج ساخت پروژه را تقبل می‌کند؛
- معافیت مالیاتی برای واردات ماشین‌آلات سنگین مورد نیاز پروژه‌ها؛
- اعطای زمین به هزینه دولت؛
- در پنج سال اولیه بهره‌برداری، بخش خصوصی از پرداخت ۱۰۰ درصد مالیات و

بعد از آن از پرداخت ۳۰ درصد مالیات معاف خواهد بود؛
- برای تشویق مؤسسه‌های مالی برای سرمایه‌گذاری در این پروژه‌ها، تا حداکثر ۴۰ درصد مبلغی که این مؤسسات در این پروژه‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند از درآمد آنها کسر و مشمول مالیات بر درآمد نخواهد شد؛
- افزایش میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این پروژه‌ها حداکثر تا ۷۴ درصد؛
- مقدار عوارض اخذ شده توسط بخش خصوصی در این پروژه‌ها مقداری بیشتر از پروژه‌های مشابهی است که توسط بخش دولتی تصدی می‌شود؛
- معافیت مقدار سودی که سهامداران یا صاحبان اوراق قرضه که در این پروژه‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اند از مالیات بر درآمد (نرسیمحان، ۱۹۹۸، ص ۴۱۶).

دوم: یونان

در جهت حمایت از پروژه‌های بی.اوتی که در بخش عمومی انجام می‌گیرد، یونان از سال ۱۹۹۰ مقررات حمایتی خاصی را تصویب کرده است. این مقررات به طور خلاصه حمایت‌های زیر را برقرار می‌سازد:

- ۱- در صورتی که عملیات ساخت و یا بهره‌برداری برای مدتی بیش از پانزده روز مختل شود و این اختلال به کنسرسیوم منتسب نباشد، کنسرسیوم مستحق دریافت هرگونه خسارتی است که ناشی از این اختلال باشد؛
- ۲- چنانچه اختلال در عملیات برای بیش از سه ماه به طول انجامد و این اختلال به کنسرسیوم منتسب نباشد، کنسرسیوم می‌تواند قرارداد را فسخ کند؛
- ۳- در هر مورد که کنسرسیوم حق فسخ قرارداد را پیدا می‌کند، در صورت فسخ قرارداد، کنسرسیوم مستحق کلیه خساراتی است که از عدم اجرای قرارداد به او وارد شده است؛
- ۴- در صورتی که پروژه از اجزای مختلف و گوناگونی تشکیل شده باشد، انحلال و یا فسخ بخشی از پروژه امکان‌پذیر خواهد بود؛
- ۵- اعمال محدودیت‌های بیشتری برای دولت و بخش عمومی برای فسخ قراردادهای بی.اوتی در مقایسه با قراردادهای دیگری که در بخش عمومی منعقد

می شوند؛

۶- مفاد قراردادهای منعقد شده بر کلیه مقررات برتری دارد و قوانین مدنی و دیگر مقررات در محدوده مفاد قراردادهای بی.اوتی قابلیت اجرا دارند. به عبارت دیگر، چنانچه مقررات امری راجع به قراردادهای کار در بخش عمومی به نفع کنسرسیوم نباشد، طرفین می توانند در قرارداد خلاف آن را شرط کنند؛

۷- طرفین ممکن است توافق کنند که شرایط موجود در زمان انعقاد قرارداد غیر قابل تغییر باقی بماند و در صورت تغییر و بروز شرایط جدید، کنسرسیوم حق داشته باشد تقاضای خسارت کند و یا مفاد قرارداد را با شرایط جدید تطبیق دهد و یا نهایتاً قرارداد بی.اوتی را فسخ کند. چنین تغییراتی لازم نیست به حد فورس ماژور^۱ برسد و یا قابل پیش بینی نباشد و یا اینکه فوق العاده اساسی باشد. حتی طرفین ممکن است توافق کنند که در صورت بروز تغییرات اندک نیز کنسرسیوم بتواند قرارداد را با شرایط جدید تطبیق دهد و یا قرارداد را فسخ کند. این تطبیق ممکن است پرداخت مبلغی بیشتر به کنسرسیوم، طولانی کردن مدت بهره برداری کنسرسیوم و یا افزایش قیمت محصولات پروژه باشد؛

۸- برقراری معافیت‌ها و تسهیلات مالیاتی در حمایت از کنسرسیوم از طریق:
- قراردادن درآمد حاصله از بهره برداری پروژه در حکم درآمد ناخالص فعالیت‌های تجاری که دارای نرخ مالیاتی مناسبتری است؛
- کاهش هزینه‌ها و مخارج ساخت و تأمین منابع مالی (پرداخت بهره) از درآمد حاصله؛

۹- در حالی که ارجاع دعاوی به داوری وقتی که یک طرف آن دولت و یا یک شرکت دولتی باشد منوط به طی تشریفات خاصی و از جمله موافقت قبلی وزیر اقتصاد و مالیه، وزیر امور عمومی و وزیر مربوطه می باشد، در پروژه‌های بی.اوتی ارجاع کلیه دعاوی به داوری پذیرفته شده است بدون این که طی این تشریفات لازم باشد (ورنونوتیز^۲، ۱۹۹۴،

1. Force Majeure.

2. Verveniotis.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مآخذ

- ۱- شیروی، عبدالحسین، پروژه‌های ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT)، نامه مفید، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۸۰.
- 2- Blasko, "Overcoming the Legal and Historical Obstacles to Privatization", Case Western Reserve, Journal of International Law, 30(2/3) (1998).
- 3- Byington, "Planning & Drafting of International Licensing Agreements", North Carolina Journal of International Law & Commercial Regulation, 6(193), 1980-1981.
- 4- Calvert, Technology Contracts (Sydney, Butterworths, 1995).
- 5- Frilet, "Some Universal Issues in BOT Projects for Public Infrastructures", International Construction Law Review, 14(4) (1997).
- 6- Naresimhan, "Sustainable Development of Public/Private Partnership in Major Infrastructure Projects Using Build Operate Transfer (BOT)", International Construction Law Review, 15(3) (1998).
- 7- Prager, "Contracting Out as a Vehicle for Privatization", Journal of International Affairs, 50(2) (Winter 1997).
- 8- Stein, "Construction Financing and BOT Projects", International Business Lawyer, (April 1995).
- 9- UNCITRAL, Legal Guide on Drawing Up International Contracts for the Construction of Industrial Works (New York, UN, 1988).
- 10- UNCITRAL, Yearbook, Vol XXVI (New York, UN, 1995).
- 11- Verveniotis, "The Concession Agreement (BOT), Legislation -

Recent Developments", International Construction Law Review, 11(I), 1994.

12- Westring, "Arlandabanan - A Swedish Experiment in Selecting a BOT Contractor Using Public Procurment Procedures", International Construction Law Review, 14 (2) (1997).

13- Stumpf(ed), The Know-How Contract in Germany, Japan and the United States (Nether Lands, Kluwer, Deventer, 1984).





پروہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی